

## الگوی «زیست‌شهر»های نوین مولد، پیشران حرکت به سوی شهرسازی اسلامی



عباس جهانبخش

دکترای معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان.

محمد صالح شکوهی بیدهندی

دکترای شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده‌ی مسئول).

نویسنده‌ی مسئول: [shokouhi@iust.ac.ir](mailto:shokouhi@iust.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

### چکیده:

معماری و شهرسازی خنثی نبوده است؛ و می‌تواند بستر ساز پرورش انسان و جامعه‌ی خاصی شود. انسان و جامعه‌ی مطلوب، بر اساس ارزش‌های فرهنگی هر اجتماعی تعریف شده است؛ و الگوها و نظریات معماری و شهرسازی با اتکا به ارزش‌ها، خلاقیت انسانی، و تجربه‌نگاری نمونه‌های منتخب، بازتعریف و بهینه‌سازی می‌شوند. لذا در مقابل سبک کنونی شهرسازی کشور که متأثر از الگوی مدرنیستی غرب است؛ می‌توان به الگوهای اندیشید که ارزش‌هایی نظیر «خانه‌ی مولد»، «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت»، «نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت»، «کاهش قیمت زمین»، «عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی»، «خانواده بنیانی»، «مسکن وسیع»، «مسجدمحوری»، و «محلّه مقیاسی» را پاس دارند. ایده‌ی «زیست‌شهر» تلاشی برای نیل بدین ارزش‌هاست. این الگوی پیشنهادی در قالب مجتمع‌های زیستی-معیشتی و با توجه به مولفه‌های سبک‌های بومی و همچنین مطلوبیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی ارائه شده است. طراحی زیست‌شهر تلاشی برای بازتعریف الگوی ساخت در محلات و شهرک‌های جدیدالتاسیس است؛ به نحوی که دربرگیرنده‌ی واحدهای مسکونی یک‌طبقه‌ی وسیع و مولد باشد؛ خدمات شهری را تدارک ببیند؛ و بستر توان‌مندسازی خانواده‌ها و امکان شکل‌دهی و هویت‌دهی به محیط توسط ساکنان را فراهم گردد. با این حال، تحقق این ایده نیازمند انجام مطالعات امکان‌سنجی است. چهار مسئله اصلی برای امکان‌سنجی عبارتند از مسئله زمین و کمبود آن، مسئله تأمین آب و انرژی، مسئله هزینه‌های اجرایی و ساخت‌وساز، و درنهایت بررسی ظرفیت‌های قانونی.

یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر تأمین زمین، ایده‌ی زیست‌شهر می‌تواند جمعیتی معادل کل کشور را در وسعتی معادل ۲ درصد مساحت ایران اسکان دهد. از نظر تأمین آب و انرژی راهکارهایی برای طراحی پایدار زیست‌شهر وجود دارد که در مقاله تبیین شده است. هزینه‌های فنی و اجرایی نیز برای هر واحد مسکونی، معادل مسکن مهر خواهد بود. این الگو می‌تواند علاوه بر اصلاح الگوی شهرها و شهرک‌های نوین، بستری برای مهاجرت معکوس به روستاها و ایجاد توازن و تمرکززدایی در آمایش سرزمین را فراهم نموده؛ و به‌عنوان پیشرانی برای اصلاح شهرها و روستاهای موجود ایفای نقش نماید.

واژه‌های کلیدی: معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی، زیست‌شهر، آمایش عادلانه سرزمین.

## ۱. مقدمه: روش، مبانی، و سازمان تحقیق

مقاله پیش رو بر اساس چهارچوب مفهومی «فلسفه نظام ولایت» (حسینی الهاشمی ۱۳۷۰-۱۳۶۹؛ ۱۳۷۰-۱۳۷۲؛ میرباقری ۱۳۸۲-۱۳۸۳) تدوین شده است. بر اساس این دستگاه فکری، مبانی و اصول زیر مفروض است<sup>۱</sup>:

- رابطه بین «علوم و فناوری های کاربردی» با «فرهنگ» رابطه خادم با مخدوم است. بدین معنا که فرهنگ، انسان و جامعه شایسته را تعریف کرده و علوم، فناوری ها و هنرهای کاربردی، خود را برای تسهیل تحقق چنین انسانی مهیا و بهینه می کنند<sup>۲</sup> (جهانبخش و شیخ العراقرین زاده ۱۳۹۸).

- برای تعریف انسان و جامعه آرمانی که با نگاه فوق، پیشران اصلی در تحول علوم و محصولات اجتماعی خواهد بود؛ منبع اصلی نمی تواند «حس و تجربه» باشد؛ چرا که تجربه از وقوع چیزی در گذشته خبر می دهد؛ و این آینده آرمانی هنوز محقق نشده که دست تجربه به دامان آن برسد. منابعی همچون تخیل، شهود، کهانت، یا... معمولا چنینی رسالتی را برعهده دارند و بدین سان است که هنر و حتی ادبیات و داستان های تخیلی می توانند پیشران و جهت دهنده به علوم و فناوری های آتی باشند. - برای رسیدن به علوم و فناوری ها و محصولات با قید اسلامی (از جمله شهر اسلامی) این منبع اصلی، وحی است (رضوی ۱۳۹۸) که از طریق نبأیی که نبی از آینده می آورد و یا مطلوبیت هایی که شارع انشا می کند؛ راهبری جریان های تاریخی و اجتماعی را برعهده می گیرد؛ و ما از طریق نقل حاوی این وحی بدان دسترسی داریم.

- لذا اولین بخش در هر نظریه پردازی در علوم کاربردی، اخذ تعریف کمال و نقص پدیده ها از منابع معتبر وحیانی است (رضوی ۱۳۹۸).

- رجوع به منابع معتبر نیز خود نیاز به روش های معتبر دارد (پیروزمند ۱۳۹۷)؛ بدون تسلط به این مهارت ها که هسته اصلی علم اصول فقه را تشکیل می دهند و بدون ارائه یک دستگاه فکری منسجم، استنباط آیات و روایات از خطر افتادن به دام اخباری گری یا دچار شدن به انواع استحسانات و قیاس های منهی شارع در امان نیست (جهانبخش ۱۳۹۸).

- متخصص شدن در هر دو عرصه یعنی هم عرصه اصول فقه که تخصص رجوع و استنباط از منابع اسلامی را فراهم می سازد؛ و هم عرصه دانش، فناوری یا هنر تخصصی ای که برای سازگار شدن با فرهنگ اسلامی قصد بهینه کردن آن را داریم؛ امری دشوار است؛ و معمولا از عهده یک پژوهشگر خارج.

- لذا نیازمند «سازمان تحقیق» مناسب هستیم که بتواند بر اساس یک «روش تحقیق» امکان همکاری قاعده مند اهل این دو عرصه (معمولا حوزه و دانشگاه) را فراهم سازد. چنین سازمان و روشی در منابع متعددی مورد بحث قرار گرفته است (رضوی ۱۳۹۷؛ شیخ العراقرین زاده و جهانبخش ۱۳۹۶؛ رضایی ۱۳۸۹؛ پیروزمند ۱۳۹۷).

- برای تحقق چنین همکاری قاعده مندی، ذیل درس فقه نظام عمران شهری که توسط آیت الله محسن اراکی از سال ۱۳۹۵-۱۳۹۳ تیم تحقیقی از متخصصان حوزوی و دانشگاهی شکل گرفت و احکام شرعی که وضع مطلوب شهر را ترسیم می کردند (گزاره های ارزشی و توصیفی) و همچنین احکام فقهی مرتبط با موضوع (گزاره های تکلیفی) از این طریق اخذ شدند. سوالات پاسخ نیافته تیم تحقیق ناظر به گزاره های ارزشی و فرهنگ حاکم بر شهر (رفیعی طباطبایی ۱۴۰۰)، و نیز ترسیم الگوی روابط سیاسی- اجتماعی مطلوب از منظر آموزه های اسلامی (مهدی زاده ۱۳۹۷)، و همچنین الگوی اقتصاد، معیشت و نظام تولید و توزیع مطلوب (کمالی ۱۴۰۰) در تحقیقات گروهی، تکمیل و مورد استفاده واقع گردید.

- پس از ترسیم وضع مطلوب، تحقیقاتی در زمینه تجربه نگاری داخلی و خارجی، برای احصا و گمانه زنی راه های نیل به مطلوبیت ها انجام شد و بررسی هایی نیز در زمینه ظرفیت های حقوقی و قوانین موید و مانع صورت گرفت (مرتضوی، شاهرودی، و ملایی ۱۳۹۹).

- با طی این مراحل، زمینه برای ارائه یک الگوی شهرسازی و معماری فراهم گردید؛ و الگوی زیست شهر با همکاری سازمان تحقیق طراحی و تدوین گردید<sup>۳</sup>.

مقاله پیش رو نخستین گزارش نشر یافته از این فرایند طی شده است و می کوشد به اجمال مثالی از کاربرد این روش و





این هویت، خدا را عبادت می‌کند. مؤمن برای یافتن هویت ایمانی (که شرط عبادت است)؛ نیازمند اتصال به ولی و قرار گرفتن در جمعی است که تحت هدایت ولی است.

هرچند عبادت، محتاج به هم‌نشینی و مجاورت جسمانی با امام نیست؛ و محل اصلی این اجتماع، قلوب و ارواح است؛ با این حال حدی از اجتماع حضوری با امام برای تعلم معارف و احکام و موضع‌گیری اجتماعی متناسب با خواست ولی لازم است. به همین دلیل، سکونت در مکانی که موجب محرومیت از تعلیم معارف و احکام شود؛ تعرب و از گناهان کبیره محسوب می‌شود. ترجیح زندگی در ارتباط با اولیای الهی نسبت به عزلت‌گزینی بر همین مبناست.

شهر، به‌عنوان محلی ثابت برای اجتماع انسان‌ها، امکان امتداد تاریخی عبادات و حفظ مناسک از خطرات مختلف را فراهم می‌سازد؛ و برای امتی که به دنبال بروز رفتاری ممتد و تاریخی هستند، امنیت و ثبات در محل سکونت و دوام یک اولویت مهم است. انبیا و اولیای الهی نیز به دنبال ایجاد حرمی امن برای عبادت‌کنندگان بوده‌اند (ابراهیم / ۳۵).

سکونت در شهرها می‌تواند هویت اجتماعی را تقویت و عبادت جمعی را تسهیل نماید؛ «شناخت و انس بین افراد» را گسترش دهد، بر «ترویج حکمت و علوم» و «اقامه ساختارهای زندگی موثر بر پرستش اجتماعی» تأثیر بگذارد. (رفیعی طباطبایی ۱۴۰۰).

## ۲-۲. روابط سیاسی-اجتماعی مطلوب حاکم بر شهر اسلامی

چنانکه گذشت؛ هدف از حضور در شهر پیوستن به نظام ولایت اولیای الهی است. مفهوم محوری در روابط سیاسی مطلوب حاکم بر شهر اسلامی، مفهوم ولایت است که در مقابل مفاهیمی همچون سلطنت یا حکومت قرار می‌گیرد. «تعبیر حکومت، اشاره به این دارد که آن کسی که در رأس قدرت است؛ یا آن جماعتی که در رأس قدرتند؛ حکم میکنند؛ و جامعه و افراد مردم، حکم و فرمان آنها را اطاعت میکنند. یک تعبیر دیگر، تعبیر سلطنت است که به معنای مسلط بودن و مقتدر بودن و امور را در سلطه خود درآوردن است. در فارسی نیز همین تعبیر وجود دارد. مثلاً زمامداری،

سازمان را در نظریه‌پردازی در مورد شهر ارائه نماید. بدیهی است ظرفیت یک مقاله مجال گزارش کامل را فراهم نمی‌سازد و امید است مکتوبات آتی توسط سایر همکاران تحقیق به تدریج این اجمال را تفصیل دهد.

## ۲. الگوی روابط حاکم بر زیست‌شهر

### ۲-۱. هویت شهر؛ انتظار از شهر و انگیزه‌ی احداث و توسعه آن

انسان موجودی مختار، و برای تلاش نیازمند انگیزه است. از نخستین عوامل تاثیرگذار بر شهر، انتظاری است که شهروندان از شهر دارند. پاسخ‌های گوناگون به این سوال که «شهر با چه انگیزه‌ای ساخته شده و گسترش می‌یابد؟» می‌تواند منجر به حاکمیت مطلوبیت‌های فرهنگی و اجتماعی مختلفی بر شهر شود؛ و شهرهایی با «هویت» متفاوت را طلب و ایجاد نماید. در ادامه به پاسخ این سوال بر اساس آموزه‌های اسلامی به اختصار اشاره می‌شود:

اما از روایات برمی‌آید که گرایش‌های فطری برای تحقق عبادت کافی نیست. این گرایش‌ها باید تحت تربیت وحی و هدایت الهی قرار گیرند. مردم باید «گرایش‌های درونی» را در معرض «هدایت» الهی قرار دهند و این گرایش هدایت‌یافته را «هویت» خود دانسته و با آن به عبادت مشغول شوند: «فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...». «تعلقات هدایت‌یافته» زمینه‌ساز تحقق عبادت‌های مؤمنین می‌شوند. در قرآن کریم، هدف از خلقت انسان، عبادت خداوند عنوان شده است (ذاریات / ۵۲) و کمال انسان در این است که این هدف در سراسر زندگی او سریان یابد نه فقط اعمال ویژه عبادی او (انعام / ۱۶۲) مهم‌ترین لازمه‌ی این عبادت، وجود تعلقات و گرایش‌هایی است که انسان را به پرستش خدا متمایل سازد. خداوند این گرایش را در انسان قرار داده و آن را «فطرت» نامیده است. (روم / ۳۰) لذا انگیزه‌محوری مؤمن برای حضور در حیات اجتماعی و عضویت در امت ولی، نه انتفاع فردی است؛ نه انتفاع اجتماعی؛ بلکه غرض محوری او، تمکن از عبادت خدا است. مؤمن با حضور در امت ولی خدا خود را به امام متصل می‌کند؛ و همراهی با او در جهت بندگی خدا را «هویت» خویش قرار می‌دهد؛ و از طریق



حجرات (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) می‌توان به‌عنوان مقیاس تعارف یاد کرد. رسیدن به چنین جامعه‌ای در صورتی شکل گرفته و دوام خواهد داشت که با اختیار و آگاهی همراه باشد نه اجبار و اکراه یا فریب، که دوام این روابط را متزلزل خواهد ساخت. لذا رکن دوم روابط سیاسی حاکم بر شهر «مشارکت آگاهانه و هدایت‌شده مردمی» است. اگر هدف اصلی یک اجتماع رسیدن به موقعیت یا وضعیت ثابت و مشخصی باشد که توسط بزرگان علمی یا روسای جامعه تصمیم گرفته شده و به مردم ابلاغ شده‌است؛ در این صورت مشارکت مردمی در حد اجرا باقی می‌ماند. اما اگر هدف اصلی رشد مردم باشد؛ آنگاه دو عامل اختیار و آگاهی که لازمه‌ی این رشد است اهمیت یافته؛ و لذا مشارکت از سطح مشارکت در اجرا به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های اجتماعی ارتقا خواهد یافت.

### ۲-۳. سلول و بنیان جامعه شهری

سلول جامعه‌ای که بر اساس رویکرد سرمایه‌داری بنا می‌شود؛ شرکت است. در نظام سرمایه‌داری مهم‌ترین مسأله، امنیت سرمایه و سودآوری آن است. ابزاری به نام شرکت به‌عنوان یک عقد لازم در نظام سرمایه‌داری باعث تفکیک مالکیت از مدیریت شده و تضمین‌کننده امنیت سرمایه می‌شود؛ و امکان تجمع سرمایه را فراهم می‌نماید. به همین دلیل در جریان صنعتی شدن و رشد شهرنشینی، با کوچک شدن خانه‌ها، نقش‌های خانواده به نهادهایی واگذار شد که می‌توانستند در چرخه‌ی رقابت اقتصادی قرار گرفته و به رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) کمک نمایند. برون‌سپاری نقش‌هایی همچون پخت‌وپز و مدیریت تغذیه، تفریح و دورهم‌نشینی، برگزاری مراسم‌ها، و... باعث تضعیف پیوندهای خانوادگی می‌شود. حتی برای واگذاری وظایف و تأمین نیازهای جنسی نیز نهادها و فضاهایی در تمدن غرب طراحی شده و فعالیت می‌کنند.

درمقابل در تمدن مطلوب اسلامی، خانواده سلول بنیادین جامعه محسوب می‌شود؛ و «همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر

اشاره به یک جنبه از حکومت است؛ یا مثلاً حکمرانی و فرماندهی، هر کدام به یک جنبه اشاره می‌کند. در اسلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولایت» تکیه شده‌است. هم در این جا و هم در آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» [بخشی از آیه‌ی ۵۵ سوره مبارکه مائده]، پدیده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است. ولایت، معنای عجیبی است. **اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است.** فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تاییده می‌شوند؛ و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست؛ آن را در عربی «ولایت» می‌گویند. **ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر.** همه‌ی معانی‌ای که برای «ولایت» در لغت ذکر شده‌است

-معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست- از این جهت است که در هر کدام از اینها، به‌نوعی این **قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت** وجود دارد. مثلاً «ولایت» به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردن‌شان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد؛ به‌عنوان والی، ولی، مولا -یعنی اشتقاقات کلمه ولایت- معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. ... هر حکومتی که این طور نباشد، این ولایت نیست. ... اگر کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، **رابطه ترس و رعب و خوف** باشد -نه **رابطه محبت و التیام و پیوستگی**- این ولایت نیست. ...» (بیانات رهبری ۷۶/۲/۶).

بنابراین رابطه بهینه برای جریان ولایت محبت و نزدیکی بین ولی و مردم از یک سو و رابطه محبت و **اخوت** بین خود مردم از سویی دیگر است. جامعه شهری نیازمند سطح و نوعی از روابط است که شکل‌گیری این شرایط را تسهیل کند. از چنین سطحی به تعبیر آیه سیزدهم سوره مبارکه





زندگی عمومی است. رعایت مقیاس تعارف و آشنایی بیشتر انسان‌ها با همدیگر و ایجاد تعلق و حس مسئولیت نسبت به یکدیگر، باعث تقویت هویت و یکپارچگی اجتماعی می‌شود. بنابراین ساختار محلات می‌تواند به نحوی طراحی گردد که با تعریف مرز و مرکز مشخص و برخوردار بودن از تنوع خدمات کافی، ایجاد هویت محلی برای ساکنین نماید از مراجعات مکرر به خارج از محله بکاهد؛ به نحوی که در یک روز فعالیت عادی اکثر افرادی که با هم مرادوه دارند؛ با یکدیگر آشنا باشند و شناخت کافی که مقدمه نظارت و دست‌گیری اجتماعی است فراهم گردد. تأمین نیازهای روزمره چنانچه در مقیاس محلی انجام شود؛ همچنین زمینه را برای تأمین کریمانه‌ی نیازها فراهم‌تر می‌کند. آدابی همچون نسیه دادن یا تأمین داوطلبانه‌ی مایحتاج همسایگان، در مال‌ها و هایپرمارکت‌ها و مجتمع‌های بزرگ مسکونی که پر از انسان‌های غریبه و رفتارهای رباتی و ماشینی است؛ به سهولت رخ نخواهد داد.

در تمدن و جامعه مطلوب اسلام، فضای محور و جمع‌کننده مردم، «مسجد» است. مساجد، مقرّ امامت، بیت الإمام، بیت خلافت الهی، و مقرّ رهبری الهی روی زمین است. مردم به وسیله مساجد، با امامت پیوند می‌خورند؛ و از این طریق اقامه وجه الله حاصل می‌شود (برگرفته از درس خارج فقه المسجد آیت‌الله‌اراک‌ی ۱۳۹۳).

از منظر تاریخی اولین جامعه اسلامی را می‌توان در تأسیس مدینه‌النبی به دست پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مشاهده نمود. در شرایطی که بسیاری از مهاجرین از داشتن خانه و سرپناه محروم بودند؛ پیامبر مسجدالنبی را تأسیس نمودند؛ و بی‌خانمانان در صفه جای گرفتند؛ و مسجد تبدیل به فضای اجتماع مؤمنین حول ولایت پیامبر گردید.

در پی بروز تغییر اساسی در جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های جامعه غربی در رنسانس، بشر دیگر نه فرمان‌های الهی بلکه یافته‌ها و ساخته‌های عقل خودبنیادش را راهنمای زندگی اجتماعی نمود؛ و فرانسویس بیکن در آتلانتیس‌نو، مرکزیت شهر را به جای «معبد یا کلیسا» به «دانش‌گاه» داد. همین روند در طراحی مراکز محلات نیز ادامه یافت و از زمان پیشنهاد واحد همسایگی توسط کلارنس پری

پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (اصل دهم قانون اساسی). خانواده یکی از پایگاه‌های اصلی هویت‌بخشی در جامعه است و مرکز پرورش انسان می‌باشد. بر این اساس با بازگرداندن نقش‌های خانواده می‌توان پیوندها را تقویت کرد و خانواده را به‌عنوان نهادی بنیادین که به رشد و تأمین نیاز با کرامت افراد کمک می‌کنند به جایگاه مطلوب رسانید. البته ایجاد خانواده گسترده و بازگرداندن نقش‌های مختلف به آن، چنانچه بدون توجه به گسترش روابط ایمانی و محله‌محوری و مرکزیت مسجد انجام گیرد به تعصب و عصبیت قومی تبدیل می‌شود.

#### ۴-۲. رابطه با طبیعت

بر اساس آموزه‌های اسلامی هماهنگی و تناسب بین جهان تکوین و عالم تشریح وجود دارد و محیط مصنوع چنانچه مطابق با تشریح (آموزه‌های وحیانی) احداث گردد؛ نه تنها در هماهنگی با طبیعت و جهان تکوین قرار می‌گیرد؛ بلکه می‌تواند ارتقا-بخش و آبادکننده‌ی آن نیز باشد: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (بخشی از آیه ۶۱ سوره مبارکه هود). لذا رابطه صحیح با طبیعت در این نگاه را می‌توان از «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت» ذکر نمود.

درمقابل، آنچه امروز برای شهرهای جهان بحران محسوب می‌شود؛ گسستن تدریجی پیوند میان انسان شهرنشین و طبیعت است. توسعه بیش از حد در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی موجب استفاده بیش از حد منابع طبیعی شده و در کشورهای مستضعف نیز، تبدیل شدن به بازار مصرف و استثمار از سوی کشورهای صنعتی سبب گردیده تا بخش بزرگی از مواهب طبیعی تخریب شود. و البته این تخریب، آسیب به جسم و روان انسان را نیز به دنبال خواهد داشت (مویر و دیگران ۲۰۱۴).

#### ۳. ویژگی‌های کالبدی و عناصر مطلوب زیست‌شهر

۱-۳. محله مقیاسی با مرکزیت مسجد، عامل اصلی هویت‌بخشی به شهروندان  
یکی از ارکان فرآیند هویت‌سازی، محله‌مقیاس کردن



در مقابل در شهرسازی اسلامی در سطح کلان، عدالت فضایی مطلوب بوده است؛ و تفاوت بین مناطق شهری مانع روابط مؤمنانه و همدلانه تلقی می‌شود؛ و در سطح خرد نیز ظاهر و سیمای بیرونی بناها تفاوت سطح اقتصادی را پوشیده دارند؛ و دیگران را تحریک و تحقیر نمی‌کنند. در روایات نیز روحیه تبرج و خودنمایی سیمای ساختمان‌ها به شدت نهی شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که می‌فرمایند: «مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ، ثُمَّ يَطْوِقُهُ نَارًا تَوْقَدُ فِي عُنُقِهِ، ثُمَّ يَرْمِي بِهِ فِي النَّارِ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ بَيْنَى رِيَاءً وَ سَمِعَهُ؟ قَالَ: يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ أَوْ يَبْنِي مُبَاهَاةً؛ كَسَى كَهْ خَانَهَائِ مِنْ رِيَا وَ يَا شَهْرَتِ بِنَا كُنْدُ؛ أَنْ رَا دَر رُوز قِيَامَتِ تَا هَفْتِ زَمِينِ حَمَلِ مِي كُنْدُ؛ سِپَسِ بَه گَرْدَنِ مِي أَوِيژِدِ دَر حَالِي كَه بَه صُورَتِ آتَشِ افروخته مِي گَرْدَدُ؛ سِپَسِ بَه دَاخِلِ آتَشِ اِنْدَاخْتَه مِي شُودِ. رَاوِي گُويِدُ: اَز حَضْرَتِ رَسُوْلِصَلِيِّاللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَمِ پَرَسِيدِمِ: چَگونَه خَانَه رَا رِيَايِي وَ بَرَايِ شَهْرَتِ بِنَا مِي كُنْدَنَدُ؟ حَضْرَتِ فَرَمُودَ: بِيَشِ اَز كِفَايَتِ خُودِ يَا بَرَايِ فَخْرِ فَرُوخْتَنِ بَه دِيگَرَانِ خَانَه مِي سَاژَنَدُ» (وسائل الشيعه، جلد ۵، ۳۳۹). اين حديث همچنان می‌تواند دلالت بر پرهیز از اسراف هم داشته باشد. امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: «مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلْفَ حَمَلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ أَنْجَحَ شَخْصٌ بِيَشِ اَز اِنْدَاژَه مَسْكَنَتَشِ بِنَا مِي كُنْدُ؛ دَر رُوزِ قِيَامَتِ مَجْبُورٌ مِي شُودِ اَنْ رَا حَمَلِ كُنْدُ» (وسائل الشيعه، جلد ۳، ۵۸۷).

بدین ترتیب، در الگوی زیست‌شهر جدایی‌گزینی طبقاتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، اگر زیست‌شهر صرفاً مسکن محرومین محسوب شود؛ از نظر کرامت انسانی برای خانواده‌های کم‌بضاعت نامطلوب خواهد بود. به همین دلیل تکرار الگوهایی نظیر مسکن مهر بایستی با تغییر در ترکیب جمعیتی رخ دهد. اختلاط اجتماعی میان دهک‌های مختلف درآمدی می‌تواند فرصت‌هایی را برای تعاون و همیاری فراهم کند. نماها و بدنه‌های شهری نیز برمبنای هماهنگی و تبرج نکردن طراحی می‌شوند.

### ۳-۳. کاهش قیمت زمین

در دهه ۱۹۲۰، دبستان به مرکز محله تبدیل شد. این امر در شهرهای معاصر ایران نیز قابل مشاهده است (جهانبخش ۶ و امین‌پور ۷ ۲۰۱۸). بررسی مبانی نظری و سیره‌ی نبوی، نشان می‌دهد برای ایجاد جامعه اسلامی از مهم‌ترین راهکارها، احیای نقش اجتماعی مساجد است و پیشنهاد می‌شود به جای تمرکز بر «شبکه معابر»، در طراحی شهرهای معاصر ایران بر «شبکه مساجد» تأکید می‌شود؛ و شهرها با مرکزیت مساجد جامع به محلاتی تقسیم گردند که هر محله خود به مرکزیت مسجد محله شکل گرفته است.

برای رسیدن به ساختار شهری محله‌محور با مرکزیت مسجد - به‌مثابه قلب محله - و ایجاد جامعه اسلامی حول مساجد، نهاد مسجد باید به نحوی با سایر نهادهای اجتماعی تلفیق یابد که به مرور نیازهای اساسی و روزمره خانوارها به محوریت مساجد محله تأمین شود و تلفیق فعالیت‌هایی همچون قرض‌الحسنه، ایجاد اشتغال، اداره‌ی محلات، فعالیت‌های محرومیت‌زدایی، و... با فعالیت‌های مساجد، بتواند زمینه پیوند دین و دنیا به محوریت دین را بیش‌ازپیش فراهم سازد. شبکه مساجد در این نگاه، شبکه جریان اراده ولی عادل در سطح جامعه است. در حال حاضر حدود ۷۰ هزار مسجد در سطح کشور وجود دارد که سرمایه معنوی و مادی - کالبدی مناسبی را برای ایجاد محلاتی به محوریت مساجد، فراهم می‌سازند.

### ۲-۳. عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی

برقراری رابطه اخوت و محبت میان شهروندان، منوط به این است که ساختارهای اجتماعی از جمله فضای کالبدی، رقابت و طمع فردی را به روابط محوری جامعه تبدیل نکنند. در نقطه مقابل، طرفداران نظریه اجتماعی بازار معتقدند که برای پویایی جامعه ضروری است با ایجاد احساس رقابت و نمایش داشته‌ها در فضای کالبدی، افراد کمتر برخوردار را به کار و تلاش بیشتر واداشت. لذا هم در سطح شهرسازی جدایی‌گزینی طبقاتی ممدوح جامعه بازار است و هم در سطح معماری و طراحی داخلی، تبرج ثروت و تمایز و درخشش افراد برخوردارتر باید رخ دهد.

انبوه‌سازی متمرکز شرکت‌های خصوصی علاوه بر سلب امکان مشارکت مردمی، به کاهش کیفیت و افزایش فاصله طبقاتی خواهد انجامید. یاری‌گری و مشارکت عنصری مهم در هم‌افزا کردن فعالیت‌های انسانی است. منظور از یاری‌گری «یکی بودن و هم‌سویی کوشش‌های دو یا تعداد بیشتری از افراد برای دستیابی به هدف یا اهداف معین با نیت و منظوری واحد یا متفاوت است» (فرهادی ۱۳۹۱). در ادبیات شهرسازی غرب نیز دخالت دادن اجتماع در تصمیم‌سازی محیطی مورد تأکید است؛ ولی غلبه نگاه‌های سرمایه‌داری به‌ویژه در کلان‌شهرها تحقق این امر را با دشواری مواجه ساخته است.

### ۳-۵. شهر پویا و هم‌افزایی دانشی

برای زنده و پویا بودن شهر بهترین راه مشارکت مردم در بهبود و ارتقای مستمر کیفیت زیست و محیط زندگی است. از آنجا که چنین مشارکتی نیازمند «ارتقای سطح دانش و مهارت ساکنین» است؛ لازم است فضای مناسب و کافی برای شکل‌گیری یک چرخه دانشی وقف پایه با محوریت مساجد، در مقیاس محلی تأمین شود تا مدیریت دانش ساکنین منتج به ارتقای کیفیت زیست و محیط زندگی گردد. در عرصه اطلاع‌افزایی یاری‌گری و مشارکت هم‌افزایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هر فرد از طرق فعالیت‌های تحقیقاتی، مطالعات، تجربیات روزمره، استادان و مربیان خود، و... به دانش‌هایی دست پیدا می‌کند که دیگران الزاماً آن را در اختیار ندارد؛ و در نتیجه نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین کرده و از این منظر دچار ضعف می‌گردند. اشتراک‌گذاری دانش و مشارکت در اطلاع‌افزایی از جمله راه‌های مهم در توانمندسازی آحاد جامعه است. مشارکت در اطلاع‌افزایی همچنین سبب می‌شود که انحصار اطلاعات در دست افراد خاص شکسته شود و عدالت فرهنگی متناسب با نظام امامت-امت برقرار گردد. برای این منظور کالبدهایی نظیر کارخانه نوآوری و شبکه کتابخانه‌های محلی را می‌توان پیشنهاد داد؛ مشروط بر اینکه این نهادها برای ارائه کارآمدی‌های فوق‌بهرینه شوند (شیخ‌العراقین زاده ۱۳۹۹).

### ۳-۶. توسعه افقی

الگوی مدرنیستی پنج دهه‌ی اول قرن بیستم (که در ایران

یکی از عواملی که باعث کاهش عدالت اجتماعی در ایران شده سوداگری در زمین و افزایش قیمت آن است. شکل کنونی قیمت زمین هم از نظر اقتصاد غربی و هم از نظر شرعی و انقلابی شکلی نامطلوب باشد. در کشورهای غربی راهکارهایی نظیر منع معاملات مکرر و وضع مالیات بر املاک و مستغلات برای داغ کردن زمین در نظر گرفته می‌شود تا زمین از کالایی سرمایه‌ای به کالایی مصرفی بدل گردد. در نگاه اسلامی نیز، مثلاً برای کاربری‌های تجاری روایاتی مطرح شده که اثر اجرای آن‌ها می‌تواند حذف قیمت زمین از بهای تمام شده‌ی کالاها باشد. برای نمونه پیامبر(ص) فرمودند «هذا سوقکم لا تتحجروا و لا یضرب علیه الخراج» (سمهودی، وفاء‌الوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۲، ۲۵۷): این بازار شماسست، سنگ نچینید (ساختمان نسازید) و از آن کرایه و خراج هم نگیرید. در نمونه‌ای دیگر، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «سوق المسلمین کمسجدهم فمن سبق الی مکان فهو أحق به الی اللیل». (عثمان ۱۳۷۶، ۲۳۵) بازار مسلمین مانند مسجدشان است؛ لذا همینطور که در مسجد به مقدار احتیاج شخص حق سبق دارد؛ در بازار هم اگر کسی جایی را اشغال کرده و می‌خواهد کسب و کار کند؛ او هم به مقدار احتیاجش حق تقدم دارد. در آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز، حذف قیمت زمین مورد توجه بوده است. برای نمونه امام خمینی در فرمان تشکیل نخستین نهاد سازندگی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) در جمهوری اسلامی می‌فرماید: «... در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود» (امام خمینی ۵۸/۱/۲۱). البته این به معنای نفی ضرورت مقابله با زمین‌خواری نیست؛ بلکه باید بین دو خط قرمز زمین‌خواری و احتکار زمین، بستر احیای منضبط زمین فراهم گردد.

### ۳-۴. معماری مشارکتی

بسترسازی برای رشد اجتماعی، با کمک مشارکت ساکنان هم در تصرف در محیط و هم در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیریت سکونت‌گاه‌ها تسهیل می‌گردد. این نوع مشارکت مردم، باعث احساس تعلق و پیوند با محیط شده و به فضای کالبدی هویت خاص می‌بخشد. در نقطه مقابل اجرای طرح‌ها با تصدی‌گری دولتی و یا

دارد (آرامی و دیگران ۱۳۹۸).

البته این به معنای تایید توسعه افقی نامحدود و تمرکزگرا نیست؛ بلکه توسعه افقی بایستی به صورت محدود، متوازن، و شبکه‌ای انجام شود.

### ۷-۳. اقتصاد و معیشت زیست‌شهر

در دوران مدرنیسم (پنج دهه‌ی ابتدایی قرن بیستم میلادی)، معماران بر این باور بودند که انسان‌ها سه نیاز اصلی دارند: سکونت، فعالیت و فراغت. بنابراین، چهار کاربری را برای هر شهر در نظر می‌گرفتند: پهنه‌ی مسکونی، پهنه‌ی کار و فعالیت، پهنه‌ی تفریح و فراغت، و نیز فضاهای ارتباطی و دسترسی میان سه پهنه‌ی پیش‌گفته (استروفسکی ۱۳۹۰). اعتقاد معماران مدرنیست در آن زمان بر این بود که باید میان این پهنه‌ها تفکیک قائل شد تا شهر کارکرد (اقتصادی) بهتری داشته باشد. در این نگاه، مسکن به فضایی مخصوص خواب تبدیل شد و برای نمونه لوکوربوزیه (معمار سوئیسی - فرانسوی) خانه را در طرح‌های خود «سلول» می‌نامید. درحالی‌که در گذشته در کنار سکونت، فعالیت‌های تولیدی نیز در خانه‌ها اتفاق می‌افتاد، در این زمان تلاش شد تا کار و فعالیت از فضای سکونت جدا شود. در دهه‌های بعدی (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) انتقادات زیادی به این جدایی‌گزینی فعالیت‌ها مطرح شد و از جمله افرادی نظیر جین جیکوبز (نویسنده‌ی امریکایی) این الگو را به خاطر از بین بردن سرزندگی شهری، کاهش امنیت شهر در ساعات مختلف (خلوت شدن مناطق مسکونی در ساعات کاری و خلوت شدن مناطق کار و فعالیت در ساعات شب) و جدا شدن افراد از خانواده‌ها مورد نقد قرار دادند. با این حال تا امروز نیز پهنه‌بندی مسکن، خدمات و فضای سبز، کمابیش مشابه الگوی معماران پنج دهه‌ی اول قرن بیستم در بسیاری از برنامه‌های توسعه شهرهای ایران دنبال می‌شود.

خروج کاربری‌های گوناگون از خانه با کوچک شدن مسکن سازگار است. مسکن حداقل بین مدیران شهری، طرفداران زیادی دارد و برنامه‌های مسکن دولتی، تلاشی برای امتزاج فضای کار و فعالیت با فضای سکونت ندارند و به تشویق

نیز تا کنون مبنا قرار گرفته) به بلندمرتبه‌سازی مسکن معتقد بوده است؛ زیرا باور بر این بوده که از این طریق زمین بیشتری حفظ می‌شود؛ و طبیعت صدمه‌ی کمتری می‌بیند. اما برخلاف شعار اولیه، تراکم شدید و ساخت آسمان‌خراش‌ها، آسیب‌های زیادی را به طبیعت وارد نموده است. این الگو اقتضای استفاده از مصالح با آب پنهان و انرژی نهفته بسیار بالاتر از مصالح طبیعی و ساده‌ای را دارد که قابل استفاده در توسعه عمودی و برج‌سازی‌ها نیستند. بناهای بلند، مانع جریان باد و مانع دیده شدن آسمان شدند؛ و در کلان‌شهرها بر معضل فرونشست زمین افزودند.

از نظر اسلامی نیز، مسکن بلندمرتبه الگوی مطلوبی به حساب نمی‌آید. بلندمرتبه‌سازی از یک سو امکان اشراف و رعایت نشدن محرمیت را پدید می‌آورد؛ و از سوی دیگر موجب تضعیف یا تعطیلی سنت‌های مستحب می‌شود. آیت‌الله اراکی معتقد است که سنت‌های شرعی در شهری که ساختمان‌های بسیار بلند داشته باشد و روند ساختار شهری به سمت خطوط عمودی باشد؛ اساساً امکان عمل و اجرا پیدا نمی‌کند و این وضعیت منجر به ترک سنت خواهد شد. اراکی تاکید می‌کند هر روش، کار، رفتار و عملی که منجر به تعطیلی سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود ممنوع است. خود عمل به مستحب، مستحب است؛ اما کاری که موجب ترک مطلق مستحب شود؛ و موجب تعطیل سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود حرام و ممنوع است. براین اساس، اگر بنا باشد که ساختمان‌های بلند ساخته شود؛ «قل انظروا» ۸ عملی نخواهد شد. سیاق آیه دلالت دارد که این طور نیست که در طول عمر یک بار نگاه کنید که آسمان و زمین چه چیزی دارد؛ بلکه معنی آیه این است که این نظر و تدبیر در آسمان و زمین کار معمولتان باشد. براین اساس می‌توان گفت بلندمرتبه‌سازی با هویت شهر اسلامی سازگار نیست (اراکی ۱۳۹۷).

مطالعات دیگر نیز ساخت‌وساز بلندتر از حد تعارف را از جهت مالکیت فضای محاذی مورد بحث قرار داده‌اند و توضیح داده‌اند که از نظر فقهای معاصر، مالکیت فضای بالای زمین اشخاص، فقط در حد متعارف در اختیار صاحب زمین خواهد بود و فضای بالاتر از حد عرف، به عموم تعلق







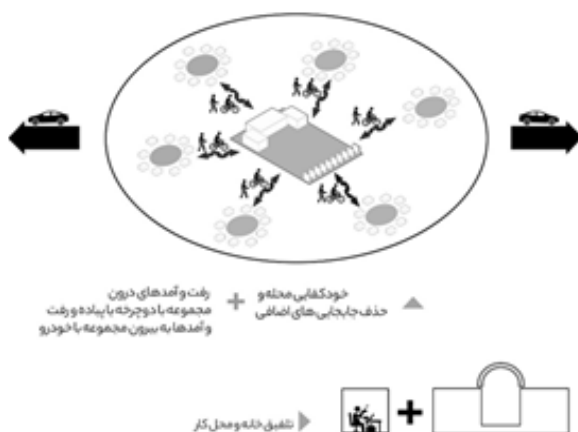
پشتیبان، کارخانه نوآوری و شبکه کتابخانه‌های محلی، به نحوی در نظر گرفته شده که دانش لازم برای زیست در الگویی متفاوت را در اختیار ساکنان قرار دهد و دانش ضمنی تولید شده را نیز ثبت نموده و به اشتراک گذارد. رشد فعالیت زیست‌شهر اگر بر مبنای قواعد بازار و رقابت علمی (پتنت) صورت گیرد؛ به رشد روحیه رقابت و فردگرایی در جامعه منجر خواهد شد؛ و اگر بر مبنای شبکه‌ای متکی بر سازوکارهایی همچون وقف، احسان و ایثار (ایده‌ی تحقیق و توسعه‌ی (R&D) وقف) صورت پذیرد می‌تواند بستری را برای رشد روابط اجتماعی اسلامی فراهم سازد.

#### ۴. معرفی الگوی زیست‌شهر

در الگوی پیشنهادی تلاش شده تا فضای کالبدی به نحوی طراحی شود تا مطلوبیت‌های اسلامی ذکر شده در بخش قبل در زمینه روابط انسان با طبیعت، روابط اجتماعی انسان با هم‌نوعان خود و روابط با نظام ولایت الهی تسهیل گردد.



شکل ۱. تصویر خانه‌های وسیع و دارای ارتباط مناسب با طبیعت، تقویت‌کننده استحکام خانواده



شکل ۲. تصویر شکل‌گیری محلات مسکونی با رعایت مقیاس انسانی

کوچک‌سازی مسکن می‌پردازند. برای نمونه در دهه‌ی ۱۳۷۰، شعار مسکن پاک مطرح شد که مخفف «پس‌انداز، انبوه‌سازی و کوچک‌سازی» بود.

این در حالی است که مسکن کوچک در آموزه‌های اسلامی مطلوب نیست. برای نمونه روایت شده که از زمینه‌های سعادت، وسعت منزل است<sup>۹</sup>. متقابلاً، دلایلی برای کراهت مسکن کوچک نیز وجود دارد (قال الباقر(علیه‌السلام): من شقاء العیش ضیق المنزل (وسایل‌الشیعه، باب ۲، حدیث ۲)). آیت‌الله اراکی استدلال می‌کند که حکومت چه به معنی وکیل و چه به معنی ولی وظیفه دارد تمام زمینه‌های انجام مستحبات را برای مردم فراهم کند. وکیل اجازه ندارد بر خلاف مصلحت موکل خود در اموالش تصرف نماید. به بیان دیگر برای مردم مستحب است که در خانه‌های وسیع زندگی کنند، و خرید خانه ضیق (کوچک) برای خود فرد مکروه است. اما برای دولتی که توانایی تامین مسکن وسیع دارد؛ اتخاذ سیاست‌های ساخت مسکن حداقل، حرام است (اراکی ۱۳۹۳).

لذا، در الگوی پیشنهادی سه کاربری اصلی فراغت، کار و سکونت حتی‌المقدور و به نفع خانه با هم ادغام می‌شوند. وسعت خانه به تبدیل مسکن از واحد مصرفی به خانه‌ی مولد، کمک می‌کند. در خانه‌ی مولد افراد می‌توانند در کنار سکونت، فعالیت‌هایی نظیر باغداری، پرورش دام سبک، طیور و ماهی، قالبیابی و صنایع سبک خانگی را انجام دهند. در سال‌های اخیر اقتصاد بسیاری از کشورها به سمت کسب‌وکارهای خانگی و خانوادگی حرکت کرده است که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی مواهبی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. اینکه افراد بتوانند بدون اجیر شدن در شرکت‌های بزرگ، به سادگی کسب‌وکاری را در خانه‌های خود آغاز کنند می‌تواند زمینه را برای کاهش بیکاری، افزایش درآمد خانوارها، مهارت‌آموزی کودکان و حفظ کرامت انسانی افراد فراهم کند و به دلیل ایجاد ساختارهای چرخه تولید تا مصرف، امنیت تأمین محصولات مصرفی خانواده (از قبیل انرژی، تغذیه، ...) را تضمین نماید و به افزایش توان پدافند غیرعامل منجر گردد (کمالی و دیگران ۱۴۰۰).

به علاوه در الگوی زیست‌شهر، نهادهای همچون مزرعه



### ۴-۱. خانواده به مثابه سلول جامعه

در این طرح خانه‌ها از وسعت کافی برخوردارند؛ و به خانواده به‌عنوان سلول جامعه دینی استحکام می‌بخشند. در حالی که در شهرهای سرمایه‌داری، کوچک شدن خانه‌ها و انتقال خدمات از خانه به بازار، با هدف افزایش تولید ناخالص داخلی منجر به بازار شدن بخش‌های نابازار شده‌است.

در مقیاس بعدی نیاز به طراحی ساختاری است که قاعده‌مندی‌های اجتماعی را تعریف کرده و بر آن نظارت کند. در نظریه اجتماعی اسلامی بر رابطه یاری‌گری و ایثار و برادری تاکید می‌شود؛ و نخستین پیوندهای اجتماعی در محله به محوریت مسجد شکل خواهد گرفت. با حفظ مقیاس تعارف در روابط انسانی امکان نظارت و دست‌گیری و حمایت اجتماعی برای افراد فراهم خواهد شد.

### ۴-۲. ابعاد الگوی پیشنهادی

در تصاویر زیر، یک حیاط همسایگی و ۸ واحد که یک واحد همسایگی را تشکیل داده‌اند نشان داده شده‌است. این مجموعه از سه تیپ خانه تشکیل می‌شود که در مترهاژهای ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۲۰۰ مترمربعی هستند؛ اما جانمایی به نحوی صورت گرفته که جدایی‌گزینی طبقاتی رخ ندهد؛ و مساحت‌های مختلف در مجاورت همدیگر باشند. از لحاظ منظر شهری نیز بدون تهرج و خودنمایی، و با اتکا بر هماهنگی و استفاده از زیبایی‌های عناصر طبیعی، سعی بر حفظ کرامت انسانی شده‌است؛ اما تفاوت درونی خانه‌ها به دلیل تفاوت در نیازها و نیز سطح دارایی‌ها وجود خواهد داشت.



▲ همجواری ۴۰ خانه (یک چهارم محله)  
در این مقیاس، فضای عمومی برای پارک ماشین  
میهمان و بارهم کشاورزی در فضای مشاع فراهم است.

شکل ۴. نمونه طراحی شده از همجواری ۴۰ خانه  
(ربع محله)



▲ همجواری ۱۶۰ خانه (یک محله)  
در این مقیاس، فضای مرکز محله شامل  
مسجد، مدرسه و بازار روزانه فراهم است.

شکل ۵. نمونه طراحی یک محله



▲ حیاط همسایگی؛  
دسته‌های کوچک‌تر از خانه‌ها  
با فضایی مابین خانه‌ها با امکان کشاورزی  
مشترک همسایه‌ها در فضای مشاع و نیز بازی بچه‌ها.

شکل ۳. یک نمونه از حیاط همسایگی

#### ۴-۴. نحوه دسترسی سواره

دسترسی سواره تا نزدیک مرکز محله وجود دارد؛ اما درعین حال امکان آن هست که افراد پیاده به ویژه کودکان با کمترین برخورد با مسیر سواره به مرکز محله و بخش آموزشی دسترسی داشته باشند.

به طور متوسط مساحت خانه‌ها هزار مترمربع، شامل ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر زیربناست؛ و مابقی زمین را حیاط و باغ تشکیل می‌دهد. چهل واحد مسکونی از هر جهت (اربعون دارا من کل جانب) یک محله ۱۶۰ واحدی را حول مسجد جامع و خدمات محلی شکل می‌دهند.



شکل ۷. منظر عمومی محله، به‌عنوان واحد تشکیل دهنده شهر



شکل ۶. معابر محله

در مرکز محله ارتباط با طبیعت به طور گسترده‌ای وجود دارد. وجود عناصری نظیر کبوترخانه بر ارتباط با طبیعت و حفظ و بهره‌برداری از آن تاکید می‌کند.



شکل ۸. طرح مرکز محله (مسجد، مدرسه، واحدهای فرهنگی-خدماتی و تجاری)

#### ۴-۵. روابط واحدهای تجاری

برای حفظ مقیاس تعارف ضروری است برنامه فیزیکی و سرانه کاربری‌ها به نحوی محاسبه شود که تا حد ممکن برای نیازهای روزمره و هفتگی سفر به خارج از محله ضروری نباشد؛ ولی تامین نیازهای ماهیانه یا سالانه در سطح خارج از محله بلامانع است. متناسب با سلول بودن شرکت در جامعه سرمایه‌داری که در بخش قبل ذکر شد؛ بدنه غالب شهری در شهرهای



معاصر را کاربری تجاری شکل می‌دهد؛ اما در الگوی پیشنهادی واحدهای تجاری محله به صورت گودال باغچه طراحی شده؛ و در عین حال که دید و نور مناسب خود را دارد؛ تبدیل به نما و بدنه غالب شهری نشده‌اند.



شکل ۱۰. بازار محله



شکل ۹. محوریت بخش فرهنگی به جای بخش تجاری

دو قاعده فقهی در مورد بازار در این طرح مورد توجه قرار گرفته‌اند: تلقی رکبان، و بیع حاضر للبادی. بر این اساس، ممنوع است که به استقبال کاروان تجاری یا روستایی رفته و اجناس آنها را قبل از رسیدن به شهر خریداری نماییم. به علاوه شهرنشینان حق فروش محصول برای روستاییان را ندارند. این بازار بر همین مبنا طراحی شده تا تولیدکنندگان بتوانند محصولات خود را در بدون رانت فضا، در این بازارها عرضه کنند.

#### ۴-۶. طراحی خانه مبتنی بر تولید و پرهیز از مصرف زدگی

تولیدات خانگی، خانه را از مصرف زدگی خارج می‌کند و غذای مصرفی را با نظارت بیشتری همراه می‌سازد. علاوه بر آن فرهنگ ساز و سنت ساز هم بوده و مقیاس محلی در تولید، امکان حمایت و دستگیری بیشتری را نسبت به تولیدات انبوه و متمرکز فراهم می‌کند. رسیدن به این ظرفیت برای خانه‌ها نیازمند بستر سازی و پیش بینی فضاهای مناسب است. طراحی انبار در مجاورت آشپزخانه می‌تواند عمل به روایات احرازالقوت را تسهیل نماید. طبق این روایات مستحب است مومنین نیازهای ضروری سالانه خود را ذخیره کنند. بدیهی است در خانه‌های سلولی و کوچک این امر امکان پذیر نیست. عمل به این روایات، مقاومت اقتصادی و پدافند زیستی را تا حد بالایی ارتقا می‌دهد.



در پروژه‌های از ایام مدریم انوار با همسایه‌ها هم‌مسواک، بن، بیرون جازید. در این ایام ناله و صدایه پانگ دگرگی داند.

شکل ۱۱. تعمیق آداب و رسوم منتج به ریشه‌دار شدن فرهنگ و باورها



بخشی از محصولات عرضه خانگی، زیر سقف حسیری روی گویان و روی مونه‌ای در حال خشک شدن هستند.

شکل ۱۲. خانه محل تولید



شکل ۱۵. ارتباط خانه با طبیعت



شکل ۱۳. خانه‌ی مولد

#### ۷-۴. ارتباط دائم خانه با طبیعت

خانه‌ها به نحوی طراحی شده‌اند که امکان ارتباط با طبیعت را فراهم سازند؛ عناصر طبیعی در خانه جریان داشته؛ و خانواده‌ها منقطع از طبیعت نباشند. بسترسازی برای فعالیت‌های همچون خوابیدن زیر نور مهتاب در زمان مناسب، روشن کردن آتش، امکان بازی کودکان با خاک، وجود گونه‌های مثمر، دیدن طلوع و غروب خورشید، و استهلال در طراحی‌ها لحاظ شده است.



در بهترین سستی با طبیعت، زمان طبیعی و گذر فصل‌ها را می‌توان شهید.

شکل ۱۶. خانه عرضه‌کننده طبیعت به ساکنین

دریغ نمودن این امکان‌ها از شهروندان باعث می‌شود آنان گاهی رنج سفرهای برون‌شهری را برای ساعتی نزدیک شدن به طبیعت تحمل کنند و حجم سفرهای متراکم را افزایش می‌دهند. چنین حجمی علاوه بر تحمیل هزینه و مشکلات بر خانواده‌ها، می‌تواند تخریب‌های مضاعفی را بر منابع طبیعی و فرهنگ نقاط میزبان نیز وارد نماید.



در حوض آب‌نیر ایوان می‌توان وضو گرفت و نسیم زتا عقی جان شهید. در ایوان بالا می‌شود آواز گفت. کودکان می‌توانند تجربه بازی با خاک داشته باشند. غروب را می‌توان به تماشا ایستاد.

شکل ۱۴. ارتباط ذاکرانه با طبیعت در خانه و ایجاد فرصتی برای رشد و تعالی فرزندان



مترمربعی اختصاص یابد، و سایر کاربریهای غیرمسکونی نیز مطابق مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری (آیین نامه سرانه کاربریها، ۱۳۸۹) با سرانه استاندارد محاسبه شود و همهی شهرهای ایران نیز یک طبقه فرض شوند باز هم کمتر از دو درصد از مساحت ایران کافی خواهد بود. ۱۰.

## ۲-۵. آب و انرژی

در حال حاضر حدود ۶۰ هزار روستا و آبادی در ایران وجود دارد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) که از این تعداد ۵۸۰۰۰ مورد به شبکه سراسری برق متصل بودهاند؛ و ۳۶۰۰۰ مورد تحت آبرسانی وزارت نیرو هستند (سالنامه آماری وزارت نیرو ۱۳۹۷). اگر در مجاورت هر یک از این ۳۶۰۰۰ روستا یک مجموعه به طور متوسط ۳۰۰ واحدی ساخته شود؛ امکان مهاجرت معکوس و اصلاح الگوی سکونت و سبک زندگی برای ۳۶ میلیون ایرانی فراهم خواهد شد که این حجم می تواند انقلابی را در سطح خرد در زمینه سبک زندگی و در سطح کلان در زمینه اقتصاد مقاومتی، جهش تولید و آمایش متوازن سرزمین فراهم سازد.

این حجم به پیش بینی های جهانی مبنی بر تمایل چهل درصدی برای سکونت در زیستگاه های کوچک نیز نزدیک است؛ و البته علاوه بر روستاها، شهرهای کوچک و متوسط نیز برای احداث چنین زیستگاه هایی مناسبند. لذا در این طرح هیچ برداشت اضافه ای به منابع آبی تحمیل نخواهد شد؛ بلکه صرفا به جای تمرکزگرایی در توزیع منابع، توزیع شبکه ای متوازن پیشنهاد می شود. با تحویل دادن آب در یک مکان مناسب که دارای فضای باز کافی و امکان بازیافت آب خاکستری با تفکیک از مبدا است؛ می توان تولیدات دامی، زراعی و باغی را از این منبع امکان پذیر نمود. علاوه بر امکان پذیری انتقال آب به زیستگاه های کوچک به جای انتقال به کلان شهرها، با خرد شدن نحوه توزیع جمعیت می توان روی منابع پایدار آب از جمله آب باران و استحصال آب خاکستری تکیه نمود. به طور متوسط در سطح کشور ایران آب باران ۲۴۱ مترمربع برای مصرف یکسال یک نفر در بخش خانگی کافی است (سالنامه آماری هواشناسی و موسسه تحقیقات آب وزارت نیرو ۱۳۹۷). از نظر انرژی علاوه بر اینکه اتصال ۵۸۰۰۰ روستا



فضای نیمه باز می تواند نقش پررنگی در زیستن در خانه ایفا کند و بخش قابل توجهی از زندگی در آن جاری باشد. جمع خانواده در صفا رومبه حیاط. همزمان با بازی بچه ها.

تصویر ۱۷. فضای نیمه باز پلی بین فضای باز و بسته

## ۸-۴. امکان توسعه آینده

در الگوی پیشنهادی، نیاز به خانه دو طبقه، با طراحی حجم به صورت گودال باغچه انجام شده تا ضمن تامین کیفیت فضایی مورد نیاز، حریم همسایگی مورد آسیب قرار نگیرد. از تجمیع چند محله با الگوی معرفی شده و اضافه شدن خدمات لازم در مقیاس فرامحلی و به محوریت مسجد جامع، الگوی یک زیست شهر شکل می گیرد.



نیاز به دوران زندگی در خانه جمع های صمیمی دوستانه در بر سر پایه با فضای آکادمیکی داخل حیاط و سقف حصصی برون مهنایی.

شکل ۱۸. برشی از یک خانه دو طبقه با گودال باغچه

## ۵. امکان سنجی تحقق

### ۱-۵. مسئله زمین

از نخستین پرسش هایی که با مشاهده الگوی پیشنهادی به ذهن متبادر می شود، مسئله زمین و کمبود آن است. طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت ایران حدود ۲۴ میلیون خانوار بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اگر فرضا به هر خانوار ایرانی یک زمین ۱۰۰۰





۳۴ میلیون ریال هزینه دارد؛ و هر مترمربع ساخت‌وساز یک طبقه ۲۳ میلیون ریال. با توجه به هزینه ساخت معابر و مشاعات (برآورد هفته آخر تیرماه = هر مترمربع سه و نیم میلیون ریال) طراحی به نحوی انجام پذیرفته که یک خانه هزارمتری با صد مترمربع بنا (قابل توسعه تا ۱۵۰ مترمربع و بیشتر) و ۶۳ هزار مترمربع مشاعات معادل یک واحد مسکن مهر به مساحت ۸۰ متر هزینه دربردارد (هر واحد ۴۱۷ میلیون تومان). ضمناً مصالح مورد نیاز در ساخت‌وسازهای طبقاتی دارای آب و انرژی پنهان بالاتری هستند؛ در حالیکه در ساخت‌وسازهای یکطبقه می‌توان از مصالح بوم‌آورد و پایدار استفاده کرد.

و آبادی به شبکه سراسری (سالنامه آماری وزارت نیرو ۱۳۹۷) فرصت مغتنمی را برای احداث زیست‌شهرها فراهم می‌سازد؛ وسعت خانه‌ها و بهره‌مندی از فضای باز کافی می‌تواند بستر مناسب برای انرژی‌های پاک به ویژه انرژی خورشیدی را فراهم سازد.

### ۳-۵. امکان‌سنجی اقتصادی و فنی

ساخت‌وساز یک‌طبقه، ساده‌تر، ارزان‌تر، تعمیرپذیرتر، و بادوام‌تر از بلندمرتبه‌سازی است. در زمینه هزینه‌های احداث برآوردهای مربوط به قیمت‌های هفته آخر تیرماه سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد هر مترمربع ساخت‌وساز مسکن مهر طبقاتی

ردیف	عنوان	ارتفاع طبقات	تعداد واحد	مساحت مفید واحد	مساحت احداثی واحد به اضافه مشاعات مسکنی	هزینه هر مترمربع	هزینه اعیانی مسکنی و مشاعات مسکنی
۱	الگوی متداول مسکن مهر	چهار تا شش طبقه روی همکف	۱۶	۸۰	۱۲۰	۶,۵۰۰,۰۰۰	۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	الگوی پیشنهادی	یک طبقه	۱	۲۰۰	۸۰	۴,۸۰۰,۰۰۰	۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰

شکل ۱۹. مقایسه‌ی هزینه احداث بنای الگوی پیشنهادی با مسکن مهر

این اختلاف هزینه در بخش مشاعات و زیرساخت‌های زیربنایی و تجهیزات و تاسیسات روبنایی شهری کاهش می‌یابد.

سهم فضای سبز و معابر برای ۱۰۰۰ واحد	هزینه هر متر مربع معابر و فضای سبز	هزینه کل فضای سبز و معابر	سهم مساحت فضای سبز و معابر به ازای هر واحد	هزینه فضای سبز و معابر به ازای هر واحد	تاسیسات شهری و حصار شهرک به ازای هر واحد	هزینه تسطیح و دیوار باغ و حیاط	قیمت تمام شده واحد
۲۸,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	۱۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۸	۱۱,۲۰۰,۰۰۰	۳۳,۸۰۰,۰۰۰	۰	۸۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۳۵۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۰	۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۳۱,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۱۵,۰۰۰,۰۰۰

شکل ۲۰. مقایسه‌ی مجموع هزینه احداث بنا و مشاعات در الگوی پیشنهادی با مسکن مهر (هر دو محاسبه بر مبنای شهرک ۱۰۰۰ واحدی)

### ۴-۵. مسئله مالکیت و سوداگری

تحقق ایده‌ی زیست‌شهر الزاماتی دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها، حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده‌ی خانه است. چنانکه اشاره شد؛ این موضوع از ابتدای انقلاب جزو مطالبات حضرت امام‌خمينی بوده؛ و بعدها در برخی از طرح‌ها نظیر طرح ایجاد شهرک صنعتی و طرح مسکن مهر تا حدودی دنبال شده‌است. پیشنهاد تیم تحقیق استفاده از

هزینه‌های فوق با حذف قیمت زمین محاسبه شده‌اند. و در برآورد، هزینه جدول‌گذاری، کانپو، زیرسازی و آسفالت، کف‌فرش پیاده‌رو، خطوط انتقال نیرو، خطوط انتقال آب، فیبر نوری، تلفن، مبلمان شهری درون شهرک و حصار پیرامونی آن، محاسبه شده؛ و در ستون «فضای سبز و معابر» و ستون «تاسیسات شهری و حصار شهرک» جدول بالا درج گردیده است.



دودرصد مساحت ایران اسکان دهد. از نظر تأمین آب و انرژی نیز راهکارهایی برای طراحی پایدار زیست‌شهر به اجمال بیان گردید. هزینه‌های فنی و اجرایی نیز با کمک فرآیندهای مرحله‌ای احداث، استفاده از الگوهای ساخت مناسب‌تر و بهره‌گیری از معماری مشارکتی برای هر واحد مسکونی معادل مسکن مهر خواهد بود. در این محاسبه، هزینه‌هایی اعم از تاسیسات زیربنایی و روبنایی، معابر و فضای سبز، و... محاسبه شده‌اند.

این مقایسه به شرط حذف قیمت زمین می‌باشد که تاکنون دو تجربه موفق در این زمینه در کشور وجود داشته (شرکت شهرک‌های صنعتی و مسکن مهر) و الگوی سومی نیز به صورت اجاره به شرط احیا در این تحقیق پیشنهاد گردید. بزرگترین مانع برای اجرای چنین الگوهایی نه کمبود منابع و امکانات سرزمینی و طبیعی است نه کمبود استقبال مردمی؛ بلکه رسوب الگوها و نظریات قدیمی و عمدتاً وارداتی شهرسازی و معماری در اذهان است که مانع حل مشکل مسکن شده و آسیب‌های فراوانی را به محیط زیست، روابط اجتماعی و فرهنگی، قدرت پدافند غیرعامل و پدافند زیستی، عدالت اجتماعی و فضایی، امکان مشارکت مردمی در شکل‌دهی و مدیریت محیط، تخریب روابط خانوادگی، و آسیب به سلامت جسمی، روحی و روانی شهروندان در پی داشته است.

امید می‌رود با اجرای عملی الگو بتوان تغییر و اصلاح این ذهنیت را مدیریت نمود؛ و با نمایش ملموس کارآمدی، آن‌را به پیشرانی برای اصلاح شهرها و روستاهای موجود تبدیل کرد. چنین فرایندی به همکاری جامعه علمی با روش و سازمانی مناسب نیاز دارد تا بتواند الگوهایی متناسب با بوم، فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-ایرانی را تکمیل کند؛ و برنامه فراگیری و تکثیر آن را عرضه نماید.

### پی‌نوشت

۱. بدیهی است هر کدام از این اصول و پیش‌فرض‌ها جای تفصیل و بحث بیشتری دارند که در مقالات ارجاع داده شده مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

ظرفیت زمینهای وقفی به ویژه در مجاور روستاها برای احداث زیست‌شهرهاست. در این چارچوب، مالکیت به صورت اجاره به شرط احیا و پرداخت سالیانه یک‌گرم طلا به‌ازای هر واحد مسکونی خواهد بود. به این ترتیب با احداث ۳۶۰۰۰ هزار زیست‌شهر به صورت متوسط ۳۲۰ واحدی، درآمد پایداری معادل ۱۴ میلیون میلیون ریال (چهارده هزارمیلیارد تومان معادل چهارده برابر درآمد کنونی اوقاف) حاصل خواهد شد. وقفی بودن زمین علاوه بر حذف قیمت زمین، سوداگری آن‌را نیز کاهش می‌دهد؛ و بستری را برای وقف زمینهای جدید با نیت حل مشکل مسکن فراهم می‌سازد.

### ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله مثالی از یک روش و سازمان تحقیق را ارائه داد که با همکاری نهاد علم حوزه، دانشگاه، و کارشناسی اجرا تلاش نموده تا بر اساس یک نظام معرفتی متقوم از مناشی معرفتی عقل، وحی و تجربه؛ به محوریت وحی، یک الگوی کاربردی را به نحوی عرضه نماید؛ که علاوه بر قابلیت اجرا متناسب با امکانات سرزمینی و اجتماعی، بتواند بستری برای تحقق مطلوبیت‌های فرهنگی و ارزش‌های اسلامی-ایرانی باشد.

بدین منظور الگویی کالبدی پیشنهاد شد که مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت بودند:

«خانه‌ی وسیع و مولد»، «توسعه افقی محدود شبکه‌ای»، «تعامل سازنده و ذاکرانه با طبیعت»، «محلّه‌مقیاسی و نظام اجتماعی مبتنی بر اخوت»، «کاهش قیمت زمین»، «عدالت فضایی و رفع جدایی‌گزینی طبقاتی»، «مسجدمحوری»، «عدم محوریت کاربری‌های تجاری در نماهای اصلی شهری»، «طراحی فضاهای تجاری متناسب با نظام توزیع حامی کسب و کارهای خرد و خانگی»، و «طراحی شهری پیشرو و دانش‌بنیان اما مبتنی بر سازوکارهای احسان‌محور به جای پنتت و رقابت‌محوری».

بررسی‌های امکان‌سنجی برای تحقق الگویی با ویژگی‌های فوق نشان داد از نظر تأمین زمین، ایده‌ی زیست‌شهر می‌تواند جمعیتی معادل کل کشور را در مساحتی در حدود





## Aminpoor .۷

۸. اشاره به آیه‌ی ۱۰۱ سوره‌ی مبارکه یونس: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» بگو در آسمان‌ها و زمین بنگرید تا چه مشاهده می‌کنید. و (گر چه) مردمی را که نخواهند ایمان آورند دلایل و آیات و بیم دادن‌های الهی هرگز سودمند نمی‌افتد.

۹. عن ابی عبدالله(علیه‌السلام): من السعاده سعه المنزل (وسایل‌الشیعه، ابواب احکام المساکن، باب ۱، حدیث ۱).

۱۰. زمین هزار متری برای ۲۴ میلیون خانوار ۲۴ میلیارد متر مربع زمین لازم دارد که معادل ۲۴ هزار کیلومتر مربع می‌شود. این میزان نسبت به مساحت یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربعی ایران کمتر از یک و نیم درصد می‌شود. جمع سرانه کاربری‌های غیرمسکونی نیز در آیین‌نامه مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۰۶ مترمربع می‌باشد که حاصل ضرب آن در جمعیت هشتاد میلیونی معادل هشت هزار و پانصد کیلومتر مربع (کمتر از نیم درصد سرزمین) خواهد بود.

۲. این نسبت در نگاه‌های پوزیتیویستی معکوس بوده؛ و این فرهنگ است که موظف می‌باشد از علوم حسی-تجربی تبعیت نماید (رک: نظریه دست مرئی معماری، لوکوربوزیه).

۳. در اینجا لازم است از همکاری‌ها و کمک‌های فکری و مالی گروه‌ها و نهادهای زیر قردادانی و اسامی آنها اعلام گردد: کارگروه فقه نظام عمران شهری، مجمع محققین معماری و شهرسازی قم، دانشگاه هنر اصفهان، جهاد دانشگاهی قم، دبیرخانه دائمی شهر اسلامی شهرداری اصفهان، مرکز توسعه اطلاعات و همکاری‌های علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم، مهندسين مشاور میان، مهندسين مشاور نقش کوثر، مرکز پژوهشی منیر، و اندیشکده زیست‌شهر.

۴. برای مطالعه بیشتر رک به حسینی الهاشمی، سیدمنیرالدین. ۱۳۷۸. علل و عوامل ناهنجاری‌ها، ج. ۱. قم: پورتال فرهنگستان علوم اسلامی. کد جلسه: ۰۰۱۴۲۵۰۰۱.

Moir .۵

Jahanbakhsh .۶

## منابع

۱. اراکی، محسن. ۱۳۹۳. درس فقه نظام عمران شهری. قم: فیضیه.
۲. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۷. فقه نظام عمران شهری. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳. استروفسکی، واتسلاف. ۱۳۹۰. شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن. ترجمه‌ی لادن اعتضادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. آرامی، حمیدرضا، محمود حکمت‌نیا، و، عزیزاله فهمیمی. ۱۳۹۸. معماری شهری و مالکیت فضای فراتر از حد متعارف ارتفاع. حقوق اسلامی ۱۶ (۶۳): ۱۱۵-۱۳۱.
۵. پیروزمند، علیرضا، و عباس جهانبخش. ۱۳۹۷. مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی اسلامی. کتاب نظریه، شماره سوم. تهران: آفتاب توسعه.
۶. جهانبخش، عباس. ۱۳۹۸. روش‌شناسی اسلامی نظریه‌پردازی معماری. رساله دکتری. دانشگاه هنر اصفهان.
۷. \_\_\_\_\_ ، و حسن شیخ‌العراقین‌زاده. ۱۳۹۸. رابطه علم و فرهنگ، زیرساخت نظری تمدن اسلامی. بنیادین تمدن نوین اسلامی ۲ (۱): ۳۷-۶۹.
۸. جیکوبز، جین. ۱۳۹۹. مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه‌ی حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
۹. حسینی‌الهاشمی، سیدمنیرالدین. ۱۳۶۹-۱۳۷۰. دوره سوم نظام ولایت، کد ۱۵۹. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.
۱۰. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۰-۱۳۷۲. دوره عالی نظام ولایت، کد ۱۵۹. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.

۱۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸. علل و عوامل ناهنجاری‌ها، ج. ۱. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.
۱۲. رضایی، عبدالعلی. ۱۳۸۹. الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه‌های تحقیقات. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.
۱۳. رضوی، سید مهدی، ابراهیم صادقی، و حسن شیخ‌العراقین‌زاده. ۱۳۹۷. درآمدی بر شبکه اسلامی تحقیقات. قم: فرهنگستان علوم اسلامی. نشر داخلی.
۱۴. رضوی، سید مهدی، و حسن شیخ‌العراقین‌زاده. ۱۳۹۸. بررسی خصوصیات متمایزکننده علم اسلامی از علم غربی و تأثیر آن بر ساختار نظریات علمی. در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
۱۵. رفیعی طباطبایی، سید حمید. ۱۴۰۰. فرهنگ شهر اسلامی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی، پژوهش منتشر نشده.
۱۶. سمهودی، علی بن عبد الله. ۱۴۱۹ق. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. شیخ‌العراقین‌زاده، حسن، و عباس جهانبخش. ۱۳۹۶. بازتعریف سازمان تولید علم در ایران، بر اساس نظریه علم دینی فرهنگستان علوم اسلامی قم. شیراز: همایش ملی چپستی و چگونگی تحول در علوم اسلامی.
۱۸. شیخ‌العراقین‌زاده، حسن. ۱۳۹۹. مدل موضوعی خیر و احسان. قم: فرهنگستان علوم اسلامی، جزوه داخلی.
۱۹. عثمان، عبدالستار. ۱۳۷۶. مدینه اسلامی. ترجمه‌ی علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
۲۰. فرهادی مرتضی. ۱۳۹۱. فرهنگ یاریگری در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۱. کمالی، سید امیرحسین، مهدی خجسته صفا، و حسین باقری. ۱۴۰۰. روابط اقتصادی و نظام تولید و توزیع اسلامی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی، پژوهش منتشر نشده.
۲۲. مرتضوی شاهرودی، سید محمود، علی ملایی، و عباس جهانبخش. ۱۳۹۹. مروری بر تجارب جهانی و داخلی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی، پژوهش منتشر نشده.
۲۳. مهدی‌زاده، حسین. ۱۳۹۷. نظریه اجتماعی. قم: فرهنگستان علوم اسلامی، پژوهش منتشر نشده.
۲۴. میرباقری، سیدمحمد مهدی. ۱۳۸۲-۱۳۸۳. فلسفه دوره نهم (فلسفه تطبیقی)، کد دوره ۸۳۷. قم: پورتال پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی.

## References

1. Araki, Mohsen. 2014. *Jurisprudence of Urban Development System*. Qom: Faizieh.
2. Araki, Mohsen. 2018. *Jurisprudence of Urban Development*. Qom: Islamic Thought Association.
3. Arami, Hamidreza; Mahmoud Hekmatonia, and Azizaleh Fahmimi. 2019. *Urban Architecture and Ownership of Space Beyond the Normal Height*. *Islamic Law* 16 (63): 115-131.
4. Farhadi, Morteza. 2012. *Aid culture in Iran*. Tehran: University Publishing Center.
5. Hosseini Al-Hashimi, Seyed Monir al-Di. 1990-1991. *The Third Period of the Provincial System, Code 159*. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
6. \_\_\_\_\_. 1991-1992. *Higher Period of the Provincial System, Code 159*. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
7. \_\_\_\_\_. 1999. *Causes and Factors of Anomalies (c 1)*. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.





8. Jacobs, Jane. 2020. *Death and Life of Major American Cities*. Translated by Hamid Reza Parsi and Arezoo Platoni. Tehran: University of Tehran.
9. Jahanbakhsh, Abbas, and Ahmad Aminpoor. 2018. *Methodology of Mosque-Oriented Built Environments, Case Study of Contemporary Mosques of Iran Cities*. *Hamdard Islamiquis*, vol. XLI, June.
10. Jahanbakhsh, Abbas. 2019. *Islamic Methodology of Architectural Theory*. Ph.D. Thesis. Art University of Isfahan.
11. Jahanbakhsh, Abbas, and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh. 2019. *The Relationship Between Science and Culture, the Theoretical Infrastructure of Islamic Civilization*. *Basic Bi-Quarterly of Modern Islamic Civilization* 2(1): 37-69.
12. Kamali, Seyed Amir Hossein, Mehdi Khojasteh Safa, and Hossein Bagheri. 2021. *Economic Relations and the System of Islamic Production and Distribution*. Qom: Islamic Sciences College, Unpublished Research.
13. Mehdizadeh, Hossein. 2018. *Social Theory*. Qom: Academy of Islamic Sciences, Unpublished research.
14. Mirbagheri, Seyed Mohammad Mehdi. 2003-2004. *Philosophy of the Ninth Period (Comparative Philosophy)*, Course Code 837. Qom: Research Portal of the Academy of Islamic Sciences.
15. Moir, Emily, Tim Moonen, and Greg Clak. 2014. *What are Future Cities? Origins, Meanings and Uses*. Compiled by the Business of Cities for the Foresight Futuer of Cities Project and the Future Cities Catapult.
16. Mortazavi Shahroudi, Seyed Mahmoud, Ali Mollai and Abbas Jahanbakhsh. 2020. *An Overview of Global and Domestic Experiences*. Qom: Academy of Islamic Sciences, Unpublished research.
17. Osman, Abdul Sattar. 1997. *Islamic City*. Translated by Ali Cheraghi. Tehran: Amirkabir.
18. Piroozmand, Alireza, and Abbas Jahanbakhsh. 2018. *Principles and Methods of Evolutionary Research in Islamic Humanities*. Theory Book, Number Three. Tehran: Aftab Tose'e.
19. Rafiei Tabatabai, Seyed Hamid. 2021. *Islamic City Culture*. Qom: Islamic Sciences College, Unpublished Research.
20. Razavi, Seyed Mehdi, Ebrahim Sadeghi, and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh. 2018. *An Introduction to the Islamic Research Network*. Qom: Academy of Islamic Sciences. Internal publication.
21. Razavi, Seyed Mehdi, and Hassan Sheikh Al-Iraqizadeh. 2019. *A Study of the Distinguishing Characteristics of Islamic Science from Western Science and Its Effect on the Structure of Scientific Theories*. In *Proceedings of the 4th International Congress of Islamic Humanities*. Tehran: Aftab Tose'e Publications.



22. Rezaei, Abdul Ali. 2010. *Design Model of Research Network Management Organization*. Qom: Academy of Islamic Sciences.
23. Samhudi. Ali Ibn Abdullah. 1419 AH. *Wafa Al-Wafa with the News of Mustafa*. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
24. Sheikh Al-Iraqi Zadeh, Hassan, and Abbas Jahanbakhsh. 2017. *Redefining the Organization of Science Production in Iran, Based on the Theory of Religious Science of Qom Academy of Islamic Sciences*. In *National Conference on What and How to Develop in Islamic Sciences*, Shiraz.
25. Sheikh Al-Iraqinzadeh, Hassan. 2020. *Thematic Model of Goodness and Kindness*. Qom: Academy of Islamic Sciences, Internal booklet.
26. Strofsky, Watslaf. 2011. *Contemporary Urban Planning from the First Sources to the Athens Charter*. Translated by Laden Etezadi. Tehran. University Publication Center.





## The pattern of productive Zistshahr (Livable city): a drive toward Islamic urban planning

Abbas Jahanbakhsh

PhD in Architecture, Faculty Member of Art University of Isfahan

Mohammadsaleh Shokouhbidhendi

PhD in Urban Planning, Faculty Member of Iran University of Science and Technology

Corresponding Author : shokouhi@iust.ac.ir

Received: 08/01/2022

Accepted: 06/04/2022

### Abstract

One of the biggest strategic harms and mistakes that a society may suffer is the mistake at the level of dreams and social horizons. In such a way that there is a contradiction and inconsistency between the dreams and ideas that are for a social structure, for example, the «ideal form of the city» and the dream and ideal that is chosen for the whole social life and society is formed around it. The more society tries and spends for that heterogeneous structure, the more it becomes practically incapable and far from its goals and ideals. Therefore, this article, by depicting the favorable future situation of cities, has tried to direct the wishes and dreams of citizens and city managers about the city (and in principle society and life) and according to public acceptances and norms, which is interpreted as culture. To draw and achieve a better future and show that in contrast to the current style of urban planning in the country, which is influenced by the modernist model of the West, one can think of values such as «productive home», «constructive and thoughtful interaction with nature», «Brotherhood-based social system», «land price reduction», «spatial justice and the elimination of segregation», «family-based planning», «large housings», «mosque-led planning» and «neighborhood scale». The idea of «Zistshahr» (livable city) is an attempt to achieve these values. This proposed model is presented in the form of bio-living complexes and according to the components of indigenous styles as well as the desirability and teachings of Iranian-Islamic culture. The design of the Zistshahr is an attempt to redefine the pattern of construction in newly established towns and settlements, so that it includes a large and productive residential units and provides other urban services in a way that, in addition to provide the needs, empowers families and the provides possibility of formation of the environment by the residents.



However, the realization of this idea requires feasibility studies. The four main issues around which feasibility studies are conducted are: the issue of land and its scarcity, the issue of water and energy supply, the issue of construction costs, and finally the issue of legal capacity.

Findings show that in terms of land supply, the idea of Zistshahr can accommodate a population equivalent to the entire country in an area of about 2% of the area of Iran. In terms of water and energy supply, there are solutions for sustainable urban design, which are explained in the article. Technical and executive costs will be equal to the Mehr housing projects (governmental housing projects in Iran in 2010s) for each residential unit with the help of the stages of construction, the use of more appropriate construction patterns and the use of participatory architecture, with the difference that the total area of the arena and lots of each unit in the city is about 5 to 15 times larger than Mehr housing units and with the help of mechanisms to eliminate and reduce land prices (similar to the methods used in Mehr housing and land supply model in the industrial towns experiences in Iran in 1980s), the design of the Zistshahr model can be more economical, sustainable and more logical than common patterns in urban planning in Iran. In addition to reforming the pattern of newly established cities and towns, it provides a platform for reverse migration to villages and solving the problem of imbalance and centralism in land management, and also plays a role as a driving force for reforming existing cities and villages.

**Key Words:** Islamic architecture, Islamic urban planning, Zistshahr, livable city, fair land management.

